

ماجرای عشق و عاشقی میدون

۱۰دلیل برای فرارکردن از مدرسه

● **پوریا عالمی؛** مدرسه‌رفتن یعنی چی، سوفیا؟ به جان میدون دوم، اگر فردا تو یا من ازدواج کنی و من حالت باباها را پیدا کنم، امکان ندارد بچه‌مان را بفرستم مدرسه. چرا؟ به ۱۰ دلیل. ۱- بچه درس می‌خواند که آینده‌اش را تضمین کند. درحالی‌که الان هر کی خواسته آینده‌اش را تضمین کند، دنبال ضمانت و سند است. من هم که سند ندارم و نمی‌توانم ضامن بشوم. پس این دلیل اول. ۲- الان هر کی درس‌خوانده، فرار مغزها نشده. اگر بچه ما فرار مغزها نشد چی؟ یعنی مغز ندارد؟ ۳- می‌دانی چرا همه مثل هم رانندگی می‌کنند، آن هم بد؟ و همه گند می‌زنند به طبیعت؟ و همه توی صف وانمی‌ایستند؟ و همه اختلاس می‌کنند؟ و همه جای ساختن کشور، آینده خودشان را می‌سازند؟ نمی‌دانسی؟ چون همه عین هم رفتند مدرسه و عین هم چیز یاد گرفته‌اند. من بچه‌ام را مدرسه نمی‌فرستم که یاد نگیرد به کشور آسیب بزند و اگر هم خواست آسیب بزند، مدل خاص خودش عمل کند، نه مثل همه. عین خاوری که خارج درس خواند. ۴- بچه را ۱۲ سال بفرستم مدرسه که بعد برود دانشگاه و بعد بی‌کار بشود و بی‌کاری هم که پدر اعتیاد است. عمرا. بچه را بفرستم بازار الان کار کند، بعد از ۱۰ سال، جای اینکه دنبال کار بگردد، همه این تحصیل‌کرده‌ها می‌آیند برایش کار می‌کنند. ۵- هم صبح زود بفرستمش مدرسه، هم شب مجبورش کنم کلی مشق الکی بنویسد؟ آزار دارم؟ نه. نمی‌فرستمش مدرسه. ۶- بچه برود مدرسه که چی بشود؟ هیچی. خب نرود مدرسه و هیچی بودن را به صورت تجربی یاد بگیرد، نه علمی. ۷- ما رقتیم مدرسه سواد یاد بگیریم که نگذاریم حقمان را بخورند، که خوردند و الان با این‌همه اختلاس و فساد مالی و املاک نجومی و حقوق‌های نجومی، ما کماکان زیر خط فقریم و روزنامه می‌خوانیم افسرده شده‌ایم. بچه اگر نرود مدرسه، همیشه خوشحال است. ۸- والله ما بچه بودیم می‌گفتند درس بخوانید فردا موقع ازدواج مدرک داشته باشید. الان موقع خواستگاری، سوئیچ ماشینت را که بگذاری روی میز، مهم‌ترین مدرک است. ۹- بابای تو سوفیا، خودش سواد ندارد و صلاحیت من را که این‌همه باسوادم، برای ازدواج با تو تأیید نمی‌کند. بچه درس بخواند که فردا یکی مثل بابای تو بی‌سواد، صلاحیتش را برای عاشقی و خواستگاری رد کند؟ ۱۰- سوفیا، وقتی من جای اینکه درس پس بدهم، همه‌اش مجبورم جواب پس بدهم؟ از همان اول هی بله قربان، بله قربان می‌گویم که راحت جواب پس بدهم. **وصیت:** سوفیا من دوست‌دارم، اما اگر کودک‌آزاری داشته باشی و فردا بچه را بفرستی مدرسه، من هم اختلاس می‌کنم. حالا ببین.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۳ مهر ۱۳۹۵ • ۲۲ ذی‌الحجه ۱۴۳۷ • ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۶ • سال چهاردهم • شماره ۲۶۸۸ • ۱۶ صفحه • ۴۰+ صفحه ویژه‌نامه • آذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • آذان مغرب ۱۸:۱۶ • آذان صبح فردا ۴:۳۱ • طلوع آفتاب ۵:۵۵

روزنارخرا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com

مین های باقیمانده از جنگ، در غرب ایران همچنان قربانی می‌گیرند



گزارش فردا

نام شجریان برخیبانی در «ده‌ترکان» می‌نشیند؟

سعید برآبادی؛ در روزهای نزدیک تولد خسرو آواز ایران، فعالیت‌های مردمی در هر گوشه‌ای به چشم می‌خورد؛ از ساخت شیرینی با عکسی از شجریان در کافه ورتا تا انتشار کلیپی با حضور مردم. کلیپی که مردم و چند نفر از چهره‌های شناخته‌شده نظیر کیمیایی، دولت‌آبادی، رادان، بازغی و... در کنار مردم به خواندن «ایران ای سرای امید...»، اثری از شجریان پرداخته‌اند و بایک چمن‌آرا آن را منتشر کرد نیز جزء آثاری بود که با استقبال فراوان روبه‌رو شد. همچنین کمپینی در فضای مجازی به راه افتاد که از مسئولان تقاضا می‌کرد روز اول مهر را به بهانه تولد شجریان به‌عنوان روز موسیقی ایرانی به ثبت برسانند، اما این تلاش پرهیاهو تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است، اما یکی دیگر از اتفاق‌ها در این زمینه انتشار عکسی از تابلو خیابانی در روستای ده‌ترکان بروجرد بود که نشان می‌دهد در این روستا خیابانی به نام استاد محمدرضا شجریان نام‌گذاری شده است. برای پیداکردن توضیحات بیشتر درباره این تصویر، مهندس یعقوبی، بخشدار منطقه، در پس از تماس‌های فراوان پیدا کردیم.



خبر را تأیید کرد، اما می‌گوید که هنوز نام‌گذاری این خیابان در روستای ده‌ترکان به تصویب نهایی نرسیده، اما او امیدوار است بدون مشکل روند تصویب را طی کند: «پیشنهاد این نام‌گذاری از طرف شورای روستا بوده و آن‌طور که من اطلاع دارم، هنوز تأیید نهایی نشده است، اما برای تصویب آن مشکلی وجود ندارد». یعقوبی به روستای ده‌ترکان اشاره می‌کند و روستاهای همجوارش که از پیشرفته‌ترین روستاهای ایران در حوزه محیط زیست و پایش الکترونیکی هستند و می‌گویند در این بخش، غالباً خیابان‌ها براساس نام کل‌ها، کوه‌ها، شهدا و شخصیت‌های برجسته کشوری نام‌گذاری می‌شوند: «وقتی که پیشنهاد نام‌گذاری یک خیابان به نام استاد محمدرضا شجریان مطرح شد، با استقبال اعضای شورای روستا مواجه شد» و ادامه می‌دهد: «شخصیت‌های برجسته و مشاهیر ما دو وجه دارند؛ وجهی که از طریق فعالیت‌های هنری خود می‌سازند و وجه فکری و اجتماعی‌شان. به نظرم جایگاه استاد شجریان به‌عنوان یکی از هنرمندان عرصه موسیقی کشور درخشان است، اما اگر کسی معترض این نام‌گذاری باشد باید به او بگوییم که اگر فردی را بهتر از شجریان در حوزه موسیقی کشور می‌شناسد به ما معرفی کند تا خیابانی را هم به نام ایشان نام‌گذاری کنیم».

در نقشه ایران، دو روستا به نام «ده‌ترکان» وجود دارد، یکی از توابع شهرستان بروجرد در استان لرستان است و دیگری در استان چهارمحال‌وبختیاری قرار دارد. حال اما «ده‌ترکان» بروجرد، با انتشار خبر نام‌گذاری خیابانی به نام استاد شجریان، در این چند روز شهرتی برای خود دست‌وپا کرده و یعقوبی می‌گوید که نباید این شهرت‌ها باعث شود تفاوت‌هایی که در ساختار و کیفیت زندگی در این روستاست نادیده گرفته شود: «درحال‌حاضر ما تنها بخشی در کشور هستیم که زباله‌هایش صددرصد به صورت مکانیزه و بهداشتی حمل و دفن می‌شود». اتصال به شبکه پیرلس دولت و پایش تصویری تمام روستاهای این بخش‌داری از دیگر ویژگی‌های ده‌ترکان است اگرچه در سرخط‌های خبری هیچ اشاره‌ای به آن نشده، شاید به این خاطر که نام‌گذاری یک خیابان به نام شجریان، در شرایطی که نام‌بردن از او حتی در رسانه ملی نیز با حذف همراه است به اندازه کافی خبر داغی محسوب می‌شود.

پشت جلد

در حال وهوای مدرسه!

یکسان دولتی را بگوید و دانش‌آموزان هم همان را –به هر نحو- فراگیرند و امتحان دهند. این –با فرض مناسب‌بودن متن- خواستی حداقلی است. مسئله این است که سیستم آموزشی از طریق معلم‌ها فضایی ایجاد کند که دانش‌آموزها علاوه‌بر یادگیری پایه، با گفت‌وگو، استدلال، جرئت سؤال‌کردن، جرئت قانع‌نشدن، شجاعت نه گفتن و ادب اینها آشنا شوند. مسئله مهم این است که مدرسه، دانش‌آموزان را آماده ورود به جامعه –فضای کار و تعامل و زندگی مثبت اجتماعی- کند. پیش‌شرط همه اینها صد البته آشنایی اولیه با حقوق خود است. من در مدرسی رفت‌وآمد کرده‌ام و به نظرم، معلمی که فقط با تحقیر دانش‌آموزان می‌تواند اعمال تحکم کند اساساً معلم نیست، آن مدرسه هم مدرسه نیست، نام دیگری دارد. متأسفانه باید گفت سیستم‌کنونی که متن محور است، نمی‌تواند حتی اهداف ترسیم‌شده همین

یادداشت

مقاومت صلح‌آفرین است

مقاومتی طبیعی است، اما طبیعت کما هو طبیعت قادر به تجربه ارزش‌های اخلاقی و فردیت اراده یا آگاهی و انتخاب ایده و باید‌ها و نباید‌هایش نیست. این مفاهیم جز در طبیعت ثانوی و جهان انسانی هیچ معنایی در قلمرو طبیعت اولیه ندارد. کانت می‌گوید: «هنگامی که می‌خواهیم عملی را انجام دهیم باید معین کنیم آیا انتخاب ما در راستای «باید»-است و اینکه این انتخاب نباید مطابق با احساسات ما باشد بلکه باید بر مبنای اصلی انجام شود که اعتبار جهان‌شمول آن را پذیرفته باشیم». ازاین‌روست که مفهوم مقاومت، از مقاومت غریزی به سمت مقاومت آگاهانه میل می‌کند. چنین مقاومتی همبسته آموزش و آگاهی می‌شود همچون عشق و آزادی آموختنی است. هدف مقاومت آگاهانه نزد انسان‌هایی که تجربه مشارکت مدنی را در حافظه خود دارند، الزاماً بازگشت به مرحله پیش‌فاخر نیست، بلکه نزد این قبیل مردمان، مقاومت ابزار قدرتمندی برای پیشگیری از خطرات و به‌ویژه پیشگیری از مخاطرات و نگوین‌بارگی‌های جنگ است. در حافظه این قبیل مردمان، آگاهی پیش‌نیاز مفهوم مقاومت و مقاومت آگاهانه پیش‌نیاز دستیابی به صلح پایدار تعریف و ثبت شده است، مقاومت آگاهانه پیچیده‌تر و بسیار سخت‌تر از مقاومت غریزی و مقاومتی به‌شدت هولناک است. چون بدون توجه به توجیهات بی‌محابا می‌رود سراغ آن بخش توطئه‌گر وجود آدمی که کالهانه نقد برای گریز از مسئولیت آزادی انتخاب و اراده خودمختار و کرامت ذاتی با ظفره‌رفتن از پاسخ‌گویی به چراهای موجود، خود را مهیای سازش با هر چگونیهی می‌کند و سعی دارد مفهوم مقاومت را همچنان به کنشی غریزی و ناخودآگاه تقلیل دهد. صلح پایدار در چنین جوامعی و بر مدار نیروی مقاومت آگاهانه براساس عدالت و احترام به منافع و آزادی دیگران و گفت‌وگو شکل می‌گیرد. چنین صلحی محصول و برآمد از جنگ نیست بلکه فضیلتی است که از نیروی جان آدمیان آزاد، عادل و مقاوم مایه گرفته است. صلحی برخاسته از نیروی اراده و آزادی انتخاب مردمانی است که خواهان برخورداری از ابعاد متکثر هستی خوش‌اند. نزد چنین مردمانی مقاومت ابزاری برای بر ساخت زندگی و بالقوگی‌های متکثر آن است. سیاست‌های موجود و مستقر هر قدر هم دموکرات باشد، به هوای برقراری نظم تنها قادر هستند شکل محدودی از زندگی را به مردم توصیه یا در دسترس آنان قرار دهند و مابقی اشکال نهفته و امکانات متکثر زندگی را حذف کنند. به باور اسپینوزا صلح به معنی نبود جنگ نیست بلکه فضیلتی است که از نیروی جان مایه می‌گیرد.

پیشنهاد

آنها پاسخ داده شده است. این بامداد خسته تازه‌ترین مستند فرشاد فدائیان درباره احمد شاملو، موضوع پرونده بخش مستند این شماره است. موضوع کارگاه رضا براهنی یکی دیگر از بخش‌های جذاب مجله است. موضوع مهم نقد فیلم این بار نیز در بخش «فیلم‌ها و احساس‌ها» ادامه پیدا کرده است.



در روزهای اول مهرماه شاید با کارهای کوچک بتوان گامی برای کودکان نیازمند برداشت. این‌بار نیز عده‌ای جمع شده و برنامه‌ای در این زمینه طراحی و میهمانانی شناخته‌شده را نیز دعوت کرده‌اند. علاقه‌مندان می‌توانند با خرید هر بلیت ۲۷هزارتومانی در برنامه سه‌ساعته شاد و فاخری، همراه با صرف شام ایرانی در باغ‌موزه تاریخی نگارستان شرکت کنند. این بلیت برای خرید کتاب درسی، لوازم‌التحریر، کیف و روبوش دو کودک زباله‌گرد و قیرشور تحت حمایت هزینه خواهد شد.



شماره ۵۴ مجله سینما و ادبیات ویژه سینمای ژاپن منتشر شد. هایاتو میازاکی، انیماتور شاخص و شناخته‌شده سینمای ژاپن و پایه‌گذار استودیو جیبلی معروف، طرح جلد سینما و ادبیات را به خود اختصاص داده است. درام تاریخی موضوع این شماره سینمای ایران مجله است. بازنمایی تاریخ در سینمای ایران در میزگرد علی رفیعی، محمدرضا اصلانی، مسعود جعفری جوزانی و جواد طوسی به بحث گذاشته شده و چگونگی به‌کارگیری المان‌های تاریخی در سینما در تک‌تک مقالات این بخش تحلیل شده است. تاریخ و تاریخی‌نویسی در ادبیات داستانی هم‌راستا با بخش سینمای ایران، موضوع این شماره بخش ادبی است. تاریخ چیست، نقطه تلاقی روایت ادبی و روایت تاریخی در کجاست، پرسش‌هایی است که در نشست یونسس تراکمه، سمیعی، ابوتراب خسروی، محمدرضا کاتب، ضیا موحد، شیوا مقالنو و... به

